

فوائد قوای ظاهری در کلامی کوتاه

و اما جناب قزوینی در کتاب شریف «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» که به حق کتابی قابل تحسین و تعظیم است فوائد جمیع قوای ظاهری را در کلامی کوتاه بیان نموده و فرموده اند: «فصل فی فوائد هذه القوى: أما اللمس فقد بیّنّا أنّ کل حیوان له هذه الحاسة حتى الدودة تدرك بها الحار و البارد و الرطب و اليابس و الصلب و اللين و الحشن و الأملس و الثقيل و الخفيف، إلاّ أنّ الحيوان لو لم تخلق له إلاّ هذه القوة لكان ناقصاً إذا كان لا يحسّ بالغذاء إذا كان بعيداً عنه فافتقر الى قوّة اخرى يدرك بها ما يبعد عنه فافتضت حكمة الباری خلق البصر ليدرك به ما بعد، و أما ما بينه و بينه حجاب فلا يمكنه إدراكه إلاّ بكلام منظوم، فافتضت حكمة الباری تعالی السمع ليدرك به الغرض ممّن يكون وراء الجدار، و لو اقتصر على هذا لكان ناقصاً لأنه إذا وصل اليه الغذاء فلا يدري أنّه موافق أو مخالف فربّما يكون شيئاً مضراً فيهلكه فافتضت حكمة الباری عزّوجلّ خلق الذوق ليدرك به الموافق و المخالف»¹

يعني: فصلي در فوائد قوای حواس ظاهری: اما لمس همچنان که گفتیم هر حیوانی واجد آن است حتی کرم که به واسطه آن گرما و سرما و رطوبت و خشکی و سفتی و نرمی و خشونت و ملوست و سنگینی و سبکی، ادراک می‌کند مگر

1- کتاب شریف «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» در انتهای کتاب «حیوة الحيوان الکبری» در انتشارات مکتبه حیدری به چاپ رسیده است و مطلب فوق در صفحه 225 جلد دوم آن است.

این که حیوان اگر غیر از این قوه، قوه دیگری نداشت همانا ناقص می‌بود، زیرا برای احساس نمودن غذایی که دور از حیوان است نیاز به قوه دیگری است که بدان غذای دور ادراک شود، پس حکمت باری تعالی اقتضای خلقت چشمی نمود که بدان ادراک اشیاء دور و جهت آنها ممکن شود، مگر این که اگر بر این دو قوه نیز اکتفا می‌شد هر آینه حیوان باز ناقص می‌بود، چرا که بدین قوه، جز اشیاء محاذی ادراک نمی‌شود. پس آن جا که بین حیوان و غذایش حجابی حائل شود امکان ادراک آن نخواهد بود مگر به کلامی منظوم، پس حکمت باری تعالی اقتضای سمع نمود تا به واسطه آن ادراک غرض شود از کسی که پشت دیوار قرار دارد و اگر بر این سه قوه هم اکتفا می‌شد باز خلق حیوان ناقص بود چرا که حیوان با وجود این قوا نمی‌توانست ادراک موافقت و یا مخالفت از غذایی کند که بدان واصل شده است، پس چه بسا شیئی مضر بود و او را هلاک می‌نمود، پس حکمت باری عزوجل اقتضا نمود خلق ذوقی که بدان، ادراک موافق و مخالف شود.